

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مسیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۴۸۹۰• ۱۲ صفحه ۸۸۹۲۵۴۶۷ تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

# شترت روزنامه

سه‌شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۳ • ۲۴ محرم ۱۴۴۶ • ۳۰ جولای ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۸۹۰• ۱۲ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۰ • اذان صبح فردا ۳:۳۴ • طلوع آفتاب ۵:۱۲

### شبکه‌خوانی

### سایبری‌ها شروع کردند

فقط چند ساعت از تنفیذ گذشته بود که اکانت‌های سایبری فعالیت خود را آغاز کردند؛ با نوشته‌های خیلی ساده‌ای نظیر: «ورود ایران به دوره بی‌برنامه‌ترین و بی‌سوادترین رئیس‌جمهور تاریخ ایران». خوب خیلی زود هم معلوم شد که صاحب این اکانت جنسیتش تغییر یافته است. این اکانت پیش‌تر در تبلیغ حجاب و حمایت گروهی از اصولگرایان خاص می‌نوشت. اعتراض کاربران این بود که چرا بیت‌المال صرف افراد نادان وکیم‌توجهی مانند این کاربر می‌شود که در انجام وظیفه خود یعنی سنگ‌اندازی به دولت جدید دقت لازم را انجام نمی‌دهد.

### کاربران میلیاردری

به نظر می‌رسد که کاربران حقیقی دیگر وجود و حضور کاربران دستمزددبگیر را پذیرفته‌اند. کاربرانی که به شواهد اسناد منتشرشده گاهی تا یک میلیارد هم برای پروژه‌های خود دریافت می‌کنند.

### هشنگ‌های پولی

یادآوری تجربه تلخ مسائلی که برای حسن روحانی در زمان ریاست‌جمهوری او اتفاق افتاد و کمپین‌ها و هشنگ‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی به صورت برنامه‌ریزی‌شده علیه او منتشر می‌شد، می‌تواند زنگ خطر را برای دولت پزشکیان به صدا درآورد.

### برهیزان‌تکرار

اهمیت توجه به شبکه‌های اجتماعی از مسائلی است که باید مد نظر قرار بگیرد. البته در طول روزهای انتخابات، برخی فعالیت‌ها نظیر رصد شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شد. حالا نیز یکی از رسانه‌های فعال در این زمینه، «پزشکیان» را از منظر کاربران در ۱۰ روز گذشته بررسی و تحلیل کرده است. طبق بررسی توییت‌های منتشرشده در روزهای ۲۷ تیر تا ۶ مردادماه درباره پزشکیان، مشخص می‌شود که بیش از ۱۶۷ هزار توییت درباره او منتشر شده است. شبکه بازنشرهای توییت‌های مربوط به او نشان می‌دهد که کاربران انقلابی و اصولگرا (منتقدان داخلی پزشکیان) در این مدت علیه او فعال بوده‌اند و ۴۰ درصد از شبکه را به خود اختصاص داده‌اند. با بررسی گراف این توییت‌ها می‌توان دریافت که نوعی سازمان‌یافتگی مشاهده می‌شود. با بررسی مخالفان جمهوری اسلامی و کاربران برانداز و خارج از کشور نکته درخورتوجهی به دست می‌آید. توییت‌های آنها فقط ۳۶ درصد تعداد توییت‌های منتشرشده را در بر می‌گیرد. صدای حامیان پزشکیان زیر سایه مخالفان سه‌برابری‌شان، آن‌چنان شنیده نمی‌شد. در زمان انتخابات نیز حدودا همین میزان حمایت از او می‌شد.

### رودن پیش‌رو

انتخاب معاون اول و رئیس دفتر رئیس‌جمهور پس از تنفیذ، چندان مورد استقبال قرار نگرفت. سخنان هفت سال پیش پسر معادن اول درباره «زن خوب» به طرق مختلف منعکس شد. حال باید دید که درباره اکانت‌های فیک چه شیوه‌ای در پیش گرفته می‌شود.

### جنجال ماسک

ایلان ماسک، میلیاردر آمریکایی و طرفدار ترامپ، این روزها به میدان آمده و تلاش بسیاری برای موفقیت نامزد موردعلاقه خود انجام می‌دهد؛ از اهدای پول تا نشر ویدئوهای جنجالی.

او یک ویدئوی دستکاری‌شده توسط هوش مصنوعی از کامالا هریس را بدون توجه به واقعی بودن آن منتشر کرد. این اتفاق باعث اعتراض دموکرات‌ها شد و او بعدتر جواب داد که انتشارش پارودی جرم نیست. اما این اتفاق باعث نگرانی‌های جدی درباره سوءاستفاده از هوش مصنوعی شد. این ویدئو که از تصاویر کمپین «هریس» استفاده می‌کند، با جایگزینی صدای اصلی با یک تقلید متقاعدکننده، اظهارات دروغینی را به وی نسبت می‌دهد.
چندی پیش خبری از توافقی بین ۱۵ شرکت فناوری و کاخ سفید منتشر شد. طبق این توافق، این شرکت‌ها متعهد شده‌اند تا تدابیری انجام دهند که از قدرت «هوش مصنوعی» برای اهداف مخرب استفاده نمی‌شود. این توافق در راستای مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها ارزیابی شد.
اینک با اقدامی که ماسک انجام داد و با تعبیر حقوقی که مطرح کرد، به نظر می‌رسد شرایط تغییر کرده و باید منتظر ماند و دید تا چه اندازه می‌توان از کزدن «هوش مصنوعی» مضمون ماند. از دیگر فعالیت‌های ترامپ در زمینه انتخابات، مهم‌کردن گوگل به سانسور اسم «ترامپ» بود. او با جست‌وجوی کلمه پرزیدنت دونالد ترامپ نشان داد که در ابتدا دانلد داک و پس از آن پرزیدنت دونالد ریگان ظاهر می‌شوند.

حکم پزشکیان تنفیذ شد و در صدر کابینه نشست، اما بازنده انتخابات، برخلاف توصیه بزرگان، برای دولت مستقر خط‌نوشان می‌کشد و بر این باور است که ۱۴ میلیون نفر به گفتمان او رای داده‌اند و باید این بستر حفظ شود و این حرکت عظیم با قدرت ادامه پیدا کند. ظرفیت‌های جدید به آن متصل شود و در عرصه‌های مختلف تکثیر شود و ابتکارهای جدید در آن شکل بگیرد.
انگار جناح موسوم به جبهه انقلاب، اصولا شکست را بستری برای ارتقا و پیشرفت خود می‌داند. چنین نگاهی در جهان منحصربه‌فرد است و معلول برخی کژتابی‌های کنشگری سیاسی در فضای عمومی ایران است. هنر دستاوردسازی از شکست با زیست گلخانه‌ای، باعث شده «ارتقا با پیروزی» در ساختار قدرت کم‌رنگ شود و نیز کیفیت نیروهای جبهه انقلاب مدام تنزل یابد.

عطاالله مهاجرانی، اخیرا در تحلیلی به بُن‌مایه دولت سایه پرداخته بود که در دنیا رسم چنین است، رهبر حزبی که در انتخابات شکست می‌خورد، شکست را می‌پذیرد، به ناتوانی خود در پیروزی حزب و مسئولیت خود در شکست اقرار می‌کند و از رهبری حزب کنار می‌رود؛ به‌اصطلاح روی نیمکت پشت می‌نشیند، نه اینکه بعد از شکست بماند و برای دولت مستقر خط‌نوشان بکشد و مبارزه انتخابات بعدی را از همان روز شکست آغاز کند.
ظرفی می‌گفت در ایران جماعتی داریم که با شکست بالا می‌آیند؛ حال آنکه به‌طور طبیعی روش ارتقا باید با پیروزی نسبت داشته باشد.
انگار طرف کتاب‌فروشی می‌زند، بدون اجاره‌بها در بهترین راسته تهران و ورشکست می‌شود. بالا می‌رود و صاحب پخش کتاب می‌شود. شکست می‌خورد، صاحب فروشگاه‌های زنجیره‌ای کتاب می‌شود. شکست اقتصادی می‌خورد، معاون وزیر می‌شود. فرد به عنوان فعالیت سیاسی وارد عرصه می‌شود؛ خودش و تیمش شکست می‌خورد، انتظار توجه مجدد دارند. این راه و مسیر که می‌شود با شکست یاقه رفت، راه بسیار خطرناکی است و چون بن‌بستی ندارد، بالطبع نیروها به رفع عیوب و اشکالات خود نمی‌پردازند.

وقتی اصلاح‌طلبان از ساختار قدرت حذف شدند، جایی نداشتند بروند، اما اصولگرایان از نهادهای انتخابی به انتصابی کوچ می‌کنند. بنابراین هیچ‌گاه

چندی پیش، مصیبت بزرگی از بیخ گوش یکی از عزیزانم گذشت و فرزند دلبندش که همچون فرزندم عزیز است، مبتلا به بیماری هیدروسفالی مغزی شد و تا پای مرگ رفت و ما هم با او مردیم و با بازگشتش به زندگی، زنده نشدیم! تجربه این دوره سخت هم‌زمان شد با انتخابات و پیروزی یک پزشک جراح و نشستن او بر جایگاه ریاست‌جمهوری. برخی او را «پزشک جمهور» می‌دانند، اما کم نیستند کسانی چون من که معتقدند کار این بیمار و شدت وخامت حال او فراتر از حوزه تخصصی این پزشک شریف و مردمی است. پس تصمیم گرفتم در نخستین یادداشتم در سال جدید، تصویری «پزشک‌فهم» از وضعیت جامعه ایرانی برای او ارائه کنم. آقای دکتر، جامعه در بستر بیماری است و حالمان خوب نیست، مبتلا به هیدروسفالی شده‌ایم و فشار ناشی از افزایش مایع مغزی، اختلال جدی در راه‌رفتن و حرکات ظاهری و گفتار و ادراک ما به‌وجود آورده است. دستمان قوت کافی ندارد که دستتان را بگیرم و پیامان توان همراهی با شما را از دست داده است. آرام‌آرام سطح هوشیاری ما کاهش یافته و پادمان می‌رود که دیروز چه گذشت و برای فردا چه برنامه‌ای داریم. مرتب دچار بدحالی می‌شویم و دیگر مثل سابق نمی‌توانیم افراد را از یکدیگر تمیز و تشخیص دهیم و در آستانه از دست‌دادن قدرت سخن‌گفتن هستیم، چون «مایع مغزی-نخاعی» که وظیفه محافظت مغز- و مخچه جامعه ایرانی را از التهابات درونی و ضربه‌های ناگهانی بیرونی برعهده دارد، به دلیل عدم جذب «سلول‌های پیر» و از گردونه خارج‌نشدن آنها از یک سو، و «مسدودشدن» راه‌های افزایش یافته که در آستانه قرار داریم. دیگر حتی شدت سردردمان و

از حوزه تخصصی این پزشک شریف و مردمی است. پس تصمیم گرفتم در نخستین یادداشتم در سال جدید، تصویری «پزشک‌فهم» از وضعیت جامعه ایرانی برای او ارائه کنم. آقای دکتر، جامعه در بستر بیماری است و حالمان خوب نیست، مبتلا به هیدروسفالی شده‌ایم و فشار ناشی از افزایش مایع مغزی، اختلال جدی در راه‌رفتن و حرکات ظاهری و گفتار و ادراک ما به‌وجود آورده است. دستمان قوت کافی ندارد که دستتان را بگیرم و پیامان توان همراهی با شما را از دست داده است. آرام‌آرام سطح هوشیاری ما کاهش یافته و پادمان می‌رود که دیروز چه گذشت و برای فردا چه برنامه‌ای داریم. مرتب دچار بدحالی می‌شویم و دیگر مثل سابق نمی‌توانیم افراد را از یکدیگر تمیز و تشخیص دهیم و در آستانه از دست‌دادن قدرت سخن‌گفتن هستیم، چون «مایع مغزی-نخاعی» که وظیفه محافظت مغز- و مخچه جامعه ایرانی را از التهابات درونی و ضربه‌های ناگهانی بیرونی برعهده دارد، به دلیل عدم جذب «سلول‌های پیر» و از گردونه خارج‌نشدن آنها از یک سو، و «مسدودشدن» راه‌های افزایش یافته که در آستانه قرار داریم. دیگر حتی شدت سردردمان و

هفته پیش ایسنا از تصویب طرح کفالت در وزارت کشور خبر داد. طبق این طرح قرار بود میزان حضور اتباع بیگانه فقط حداکثر ۱۰ درصد از جمعیت هر شهرستان، شهر، روستا و محله را دربر بگیرد. اما نکته‌ای که در خبر منتشر نشده بود، این پیشنهاد استنادار فارس بود که هر ایرانی کفیل یک افغانستانی شود. البته در ادامه توضیح داده شده بود افرادی که کفالت را برعهده می‌گیرند، درباره عملکرد اتباع پاسخ‌گو هستند و باید تأمین‌کننده شغل و مسکن این قشر باشند.



سطح زیرکشت مزارع کندم شهرستان هشتروند در استان آذربایجان شرقی ۱۰۰هزار هکتار و میزان تولید سال جاری ۱۶۰ هزار تن برآورد می‌شود. در سال گذشته بیشترین میزان تولید و خرید تضمینی کندم متعلق به این شهرستان بوده است. عکس: علی حامد قوت‌دوست، ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

apararat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

## هنر دستاوردسازی از شکست



قادر باستانی

به خاطر بی‌اعتنایی مردم، از گردونه قدرت حذف نمی‌شوند و درصدد اصلاح و بازبینی مواضع برنمی‌آیند. اصلاح‌طلبان، برعکس اصولگرایان، سرمایه‌های جز مردم ندارند. اگر شالوده قانون اساسی جمهوری اسلامی بر اسلامیت و مردمی‌بودن استوار شده است، این رشد و ارتقای شکست‌خوردگان، در تضاد با روح و مُرّ آن است. ششاید ایراد اصلی در نظام پادشاه و مجازات جبهه انقلاب باشد. گویی برای انتصاب افراد در این جبهه اساسا به عملکرد قبلی و کارآمدی فرد نگاه نمی‌شود و ملاک لابد وفاداری است. چنین به نظر می‌رسد که یکی از دلایل بی‌کیفیت‌شدن نسل جدید جبهه انقلاب، نظام حامی‌پروری، ویژه‌پروری و رانت سیستماتیکی است که در این جبهه توزیع می‌شود. رسم مجازات در این جبهه طوری است که غالبا عملکرد ضعیف یا حتی فساد در دایره برخورد قرار نمی‌گیرد و این کاهش وفاداری است که می‌تواند به مجازات، حذف و طرد ختم شود.

در زندگی بشر دو اتفاق قدرت می‌بخشد و انسان را آبدیده می‌کند؛ اول موانعی است که در مسیر رشد و پیشرفت حادث می‌شود و شخص را به یادگرفتن، مجهزشدن و تلاش‌کردن بیشتر برای عبور از آن موانع می‌کشاند. دوم، معارضضان، رقبا و منتقدانی هستند که می‌توانند فرد را در این مسیر و کارشکنی در کار دولت مستقر نکنند و به ترمیم اعتماد مردم بپردازد و نیز در سپهر سیاسی، شکست و پیروزی و بالاوپایین‌شدن همه نیروها، بدون تبعیض نسبت مستقیم با رای جمهور مردم داشته باشد. همانا این خبر و منفعت عمومی است.

### تحلیل

## جامعه هیدروسفال در آی‌سی‌یو شرح حالی برای پزشک



علیرضاغریب‌دوست

تهوع‌هایمان را نیز نمی‌توانیم برایتان توضیح دهیم و دلمان می‌خواهد با ما حرفی نزدیک‌تا آرام یک گوشه‌ای در خودمان فروشنیم. آقای دکتر، این شرح‌حال بیمار بستری در بخش آی‌سی‌یو است. خاطراتان باشد، کورتون‌درمانی شما برای کاهش فشار مایع مغزی با تزریق داروی «صداقت» و «راستگویی»، فقط چند ساعت این بیمار را زنده نگه خواهد داشت؛ چاره‌ای جز جراحی فوری نیست. خودتان بهتر می‌دانید که در ابتدا باید «مسیری موقتی» برای خروج مایع اضافی ناشی از «انسداد» ایجاد کنید و با تمهیداتی، «فشار» کنونی را کاهش دهید تا بیمار زنده بماند. در اولین فرصت بعدی نیز ناگزیر هستید عوامل مسدودکننده مسیرهای جذب و خروج مایع مغزی اضافه را با جراحی فوری باز کنید. اگرچه مستحضریذ این اقدام هم کافی نیست و اگر فاکتورهای به‌وجودآورنده این وضعیت که ناشی از حضور طولانی‌مدت عواملی چون «ویروس باکتری»، «انگل رانت‌خواری» و «میکروب سطحی نگری و عفایت‌طلبی» است، حذف نشوند و اقدام به خارج‌کردن بافت‌های ملتهب و تومورهای بدخیم «ناکارآمدی» و «فساد» نکنید، مسیر جذب طبیعی مایع مغزی، مجددا مسدود شده و تولید اضافه بر نیاز» ناشی از

بر اثر بارندگی بی‌سابقه در روز شنبه (۲۷ ژوئن)، سطح آب رودخانه آموک بالا آمد و حدود پنج هزار نفر از ساکنان چندین منطقه جزایر سینونیچو و شهرستان اویجو دچار سیل شدند. کیم جونگ‌اون، رهبر کره شمالی، فردای آن روز به مناطق سیل‌زده رفته و بر روند انتقال و رسیدگی به سیل‌زدگان با کمک هلیکوپترهای ارتش و نیروی دریایی نظارت کرد. خبر دیگری هم مطرح شده و آن هم ادعای سازمان جاسوسی کره جنوبی درباره رهبر آینده کره شمالی است. دختر ۱۱ساله «اون» احتمالا برای این سمت انتخاب شده است.

### یادداشت

## امتداد با قطار شماره ۷۶!؟



وحیدمعتمدنژاد

اکنون بر کسی پوشیده نیست که با انتخاب معاون اول رئیس‌جمهور، او قدم در مسیر اصلاحاتی گذاشته است که بی و بنای آن از جنس مصالح اصلاح‌طلبی دهه ۷۰ در ایران است؛ اما اینکه سقف آن با چه پوششی نهاده و پنجره‌ها به کدام سو باز شوند، باید منظر تشکیل کابینه‌ای باشییم تا انتظار جامعه در حیاط آن، به زایش و باوروی در سایه تغییرات نائل آید.

از این رهگذر، انتخاب مسیری در سیاست که سیاست‌مدار به کاردریل برخورد نکند شاید در شرایط امروزی پسندیده باشد که این را می‌توان در اتخاذ تصمیم یا راهکار سیاسی در استراتژی تیم یا گروهی دانست که اکنون در سایه رئیس‌جمهور منتخب با دست‌فرمان و آیین‌نامه سیاسی قبلی به دنبال تشکیل کابینه و سپس ختمشسی آینده دولت او هستند.

اسا اینکه این شرایط، انقاع جامعه را به‌ویژه آن دسته از افسرادی که بنابر هر دلیلی پای صندوق‌های رای حاضر شدند، برنمی‌تابد، موضوع شایان تاملی است.

اخبار جست‌وجوگرخسته از همایش‌ها و ملاقات‌های اخیر رئیس‌جمهور منتخب و رفتار و گفتار سیاسی ایشان در برخورد با مطالبات مردمی از یک سو، و مشکلات و معضلات اجتماعی از سوی دیگر، می‌رود تا باشته آشیل دولتی را پایه گذاری کند که از هم‌اکنون نگرانی و تردید را در دل -حداقل رای‌دهندگان- به منصف ظهور گذاشته است یا به بیانی، موتور تغییرات انتخاباتی که با سرعتی نفس‌گیر در لایه‌های پنهان و نهان مردان مدیریت و سیاست در چهارراه شورای راهبری به سمت همان مسیر قبلی تغییر جهت دادند و همان‌های قبلی به مقصد نهایی رسیدند. این مطابقت تغییر خطمشی سیاسی مورد انتظار عموم را با خود همراه نداشته و چالش‌زاست.

مفهوم چالش به‌ویژه در سیاست که مترادف با برخورد آزارخیز در ذهن و سپس در بدنه اجتماع تعریف می‌شود، در جامعه امروزی ایران ناآشنا نیست و تقریبا و تحقیقا اکثر افراد با آن هم‌خوانی و هم‌زیستی دارند و این مفهوم از همان لحظه‌های نخستین پیروزی کاندیدای پیروز در اذهان عمومی چه به صورت مشاهده‌کننده و چه به صورت تحلیل‌گر در اذهان و افواه می‌چرخد.

تفاوت مشارکت در این دوره از انتخابات با دوره‌های قبلی دقیقا در همین نقطه، عطف‌به‌ماسبق است. در ادوار گذشته، عموم مردم ایران از گذرگاه‌های خاص چالشی عبور کردند که منجر به بی‌اعتمادی و حتی بی‌اعتقادی به مبانی دولتی در بهته سیاسی شدند تا جایی که میزان مشارکت در همه‌سازهای سیاسی اقول کرده بود.

آنچه در این دوره بخشی از جامعه را پسای صندوق‌های رای کشاند- فارغ از پیش‌فرض‌های گوناگون- احساس خطر و بازتجره‌ای دیگر از سوی کسانی بود که تفاوت در کلام و رفتار کاندیدایی را دیدند که صحنه را به نفع انسان نه کل‌آرایی که کُل‌آرایی کند.

کاندیدایی که مدعی است با رؤسای جمهور قبلی تفاوت ماهوی دارد. عدم درک تفاوت از جانب ملت برای دولت و دولتمردان در بسیاری از مواقع سبب‌های متفاوت دارد که در جوامع واقع دموکراسی از آن به عنوان «غفلت‌ورزی جبران‌ناپذیر» می‌توان یاد کرد. غفلتی که در دولت‌های پیشین همیشه بر مدار تراز هم‌فکری و هم‌کرداری با ملت وزن‌کشی و تلقی می‌شد، اما در عمل از مدار مردمی خارج بود.

ریل قطار سیاسی این دولت باید بر زمینی هموار پیاده‌سازی شود که در طول زمان هیچ مانعی اراهه‌های آن را کند نکند و پشتانزانه بر سرعت خود بیفزاید.

بر خود و بر همه فرض می‌دانیم چنانچه این قطار همچنان با مسافرانی که از شنبه بعد از انتخابات اکثر صندلی‌های آن را رزرو کردند به پیش برود، شاهدانی باشیم که در نزدیک‌ترین بیج‌گاه جاده، همچنان با پرچم دادخواهی فرمان ایست صادر کنیم. حال بنا بی پیش‌فرض ملت ایران یا چه ضمانت و صیانتی می‌تواند از تونل حوادثی که آنها را در تمامی زمینه‌ها محدود و محصور کرده، به امید روزنه‌ای طی طریق کند؟ این پرسشی است که هر روز یک‌کش زندگی آنهاست.